

## احمد اسماعیل، انحرافی آشکار در عرصه مهدویت<sup>۱</sup>

### احمد اسماعیل کیست؟

یکی از شگردهای استعمار برای سلطه بر کشورهای اسلامی و استحاله فرهنگی و ایجاد تفرقه در میان آنها، تأسیس فرقه‌ها و جریانات مذهبی است. تأسیس فرقه ضالّه قادیانیه در پاکستان و گروهک بهائیت در ایران، نمونه‌هایی از این توطئه شوم است. «احمد بن اسماعیل بصری» که بعدها خود را «احمد الحسن» نامید، آغازگر جریانی نوظهور در عرصه مهدویت شده است که با حمایت کانون‌های دین‌ستیز و الگوپذیری از سران مرتدّ بهائیت، ادعاهای مختلفی ارائه داده است. فعالیت این جریان در ایران و عراق، در اواخر سال‌های حاکمیت صدام رشد فزاینده‌ای داشته است. وی با کمک برخی از باقیمانده‌های رژیم بعث عراق، تشکیلات وسیعی را در مناطقی همچون نجف، کربلا، ناصریه و بصره به راه انداخت.

احمد اسماعیل از قبیله «صیامر» در حدود سال ۱۹۷۰م / ۱۳۴۹ش در منطقه‌ای به نام «هویر» از توابع شهرستان «زبیر» از استان بصره متولد شد. وی در سال ۱۹۹۹م از دانشگاه مهندسی بصره فارغ التحصیل شد و به حوزه علمیّه شهید سید محمد صدر در نجف وارد و حدود دو سال در آنجا تلمذ نمود، سپس به خارج از کشور مسافرت کرد و در

---

۱. پایگاه جامع فرق، ادیان و مذاهب ( [www.Adyannet.com](http://www.Adyannet.com) ) با اندکی تصرف و تلخیص.

بازگشت، خود را یمانی موعود و سفیر امام مهدی (عج) خواند. او خود را با چند واسطه فرزند حضرت ولی عصر (عج) می‌داند و شجره‌نامه خود را این گونه بیان می‌دارد:

«احمد فرزند اسماعیل فرزند صالح فرزند حسین فرزند سلمان فرزند امام مهدی (عج)». این در حالی است که طبق گفته نسب‌شناسان عشیره «ابو سویلم» که احمد اسماعیل نیز به طایفه «همبوش» از آن عشیره منسوب است، سلمان فرزند داود است و تا جد چهل و ششم وی را دقیق مشخص نموده‌اند که هیچ ارتباطی به ائمه و امام عصر (عج) ندارد.

«حاج داخل عبدالزهره سلمی» یکی از بزرگان عشیره سلمی‌ها وی را دجال خوانده است و بعد از ذکر نکاتی در مورد خانواده وی می‌نویسد: «تمام اهل و عموها و عشیره‌اش از آنچه این دجال ادعا می‌کند، بیزارند»؛ اما مریدان احمد وی را احمد الحسن نامگذاری کرده و منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام می‌دانند.

احمد اسماعیل از ابتدای کار اقدام به تخریب مرجعیت شیعی نمود و در بعضی خطبه‌های خود، مرجعیت شیعه را بدتر از عالمان آل سعود معرفی می‌کند و حتی عالم مجاهدی همچون آیت الله العظمی سیستانی رحمته الله علیه را که از زعمای بزرگ شیعه در عصر حاضر می‌باشد، عالمی آمریکایی معرفی می‌کند و صریحاً خطاب به طلاب حوزه علمیه، مقام معظم رهبری رحمته الله علیه و آیت الله سیستانی رحمته الله علیه را از جمله کسانی می‌داند که مردم را به خود و حاکمیت بشری دعوت می‌نمایند و به حاکمیت خدا اعتقادی ندارند و در نهایت بی‌شرمی، بزرگان و علمای شیعه را فرزندان شریح قاضی، یزید و مأمون معرفی می‌کند.

## ادعاهای احمد اسماعیل

در منابع مختلف، به بیش از ۵۰ مورد از ادعاهای احمد اسماعیل اشاره شده است که مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیر است:

- فرزند امام مهدی (عج) با چهار واسطه؛
- یمانی موعود که زمینه‌ساز ظهور است؛
- قائل به حکومت ۱۲ مهدی بعد از ۱۲ امام می‌باشد و خود را اول‌المهدیین معرفی می‌کند؛

- وزیر امام مهدی (عج) است؛
- کتاب الله و قرآن کریم ناطق است؛
- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به او وصیت کرده و اسم، نسب و صفتش را بیان فرموده است؛
- او قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است؛
- دارای عصمت، علم و میراث اهل بیت است؛
- جاری شدن خون امام حسین علیه السلام به خاطر خدا و به خاطر او و پدرش می‌باشد؛
- او فردی است که به جای حضرت عیسی علیه السلام مصلوب گردیده و همراه انبیای گذشته بوده است.<sup>۱</sup>

همچنین در ادعاهایی مضحک:

- علم اصول، رجال و سندشناسی حدیث را بدعت می‌داند؛
- ارائه خمس به غیر خود را حرام می‌داند؛
- تقلید از مراجع را بدعت معرفی می‌کند.

---

۱. المتشابهات، احمد الحسن، ج ۱، ص ۲۹۹.

## روش اثبات ادعاها

وی برای اثبات ادعاهای خود دلایلی، از جمله استدلال به آیات قرآن کریم را ذکر می‌کند. تفسیر به رأی در استدلال‌های او امری کاملاً مشهود است. به عنوان مثال وی از آیاتی که در آن‌ها از رسول و انبیای الهی بحث شده است، استفاده نموده و آن‌ها را به آمدن خود تفسیر می‌کند، مثلاً می‌گوید: مطابق آیه دوم و سوم سوره جمعه: ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ وَآخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾؛ «او کسی است که در میان مردم درس نخوانده پیامبری را مبعوث کرد که آیاتش را بر آنان می‌خواند و آنان را تزکیه می‌کند و کتاب و حکمت می‌آموزد؛ هرچند از پیش در گمراهی آشکاری بودند و [نیز پیامبر را] بر مردمی دیگر [از عرب و غیر عرب] که هنوز به آن‌ها نپیوسته‌اند [برانگیخت] و او توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است.»

احمد اسماعیل خود را رسول و بشارت‌دهنده برای «آخرین منم» لما يلحقوا بهم» ذکر می‌کند، در حالی که این تنها یک ادعاست و اثبات آن خود نیاز به دلیل دارد. این در حالی است که مطابق مستندات موجود، وی حتی از تلاوت صحیح آیات قرآن عاجز است و در تلاوت آیات اشتباهات فراوانی دارد. وی در فایل صوتی خود خطاب به طلاب و روحانیون آیاتی از قرآن کریم را می‌خواند که پر از اشتباهات رسواکننده است. به عنوان مثال: کلمه «سُبُلْنَا» در آیه ﴿وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِيْنَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾ را به ضم لام و به حالت مرفوع «سُبُلْنَا» می‌خواند، در حالی که به علت مفعول بودن برای «لَنَهْدِيَنَّهُمْ» باید منصوب «سُبُلْنَا» خوانده شود.

و یا در آیه ﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾<sup>۱</sup> سه خطای واضح را مرتکب شده است: کلمه الله را به جای ترقیق به صورت تفخیم خوانده، کلمه «مالِک» را مجرور و به کسر کاف (مالِک) و فعل «تنزِع» را به صورت «تنزَع» می خواند.

همچنین کلمه «لَأَقْعُدَنَّ» را در آیه ﴿قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ﴾<sup>۲</sup> به کسر عین (لَأَقْعِدَنَّ) خوانده و بعد در صدد اصلاح برآمده و مجدداً آن را به فتح لام (لَأَقْعِدَنَّ) می خواند. و این تنها برخی از خطاهای احمد اسماعیل می باشد که در فایل صوتی وی خطاب به طلاب حوزه علمیه قم و نجف مرتکب شده و با وجود این خطاها ادعا می شود که آگاه ترین مردم به قرآن است!

در پایگاه رسمی آن‌ها نوشته شده است: «قال السيد احمد الحسن عليه السلام: انا أعلم من اهل التوراة بتوراتهم و أعلم من اهل الإنجيل بإنجيلهم و أعلم من اهل القرآن بقرآنهم فأعتبروا يا أولى الأبصار؛ من از اهل تورات به توراتشان، از اهل انجیل به انجیلشان و از اهل قرآن به قرآنشان آگاه ترم. پس ای صاحبان بصیرت! عبرت گیرید.»

اما خطاهای نحوی وی فوق العاده زیاد است، تا جایی که هیچ صفحه‌ای از کتاب‌ها و هیچ بیانی از بیاناتش خالی از اشکال نیست که علاقمندان را به کتاب «الرد القاصم لدعوة المفتری علی الإمام الغائب» نوشته استاد شیخ علی آل محسن، صفحات ۱۸۰ - ۲۱۰ ارجاع می دهیم.

یکی دیگر از دلایل وی، استناد به احادیث اهل بیت علیهم السلام است که با استفاده از

۱. آل عمران / ۲۶.

۲. اعراف / ۱۶.

احادیث ضعیف یا تقطیع کردن آن‌ها و یا حتی با جعل روایات، سعی در اثبات ادعاهایش دارد.

وی یکی دیگر از ادله خود را دعوت علما به مباحله و مناظره عنوان کرده و این در حالی است که تاکنون علما و افراد بسیاری وی را به مناظره فراخوانده‌اند؛ اما او در تمام موارد از حضور سرباز زده و نهایتاً چاره را در فرار و غیبت دیده است و طبق گفته پیروانش، وی با هیچ فردی دیدار ندارد؛ اما دعوت به مناظره‌اش بر جای خود باقی است!

### ادله روایی جریان مدعی یمانی

۱. احمد اسماعیل ادعا می‌کند «اول المقربین» و اولین از ۳۱۳ نفر یاران خاص حضرت مهدی (عج) می‌باشد و برای اثبات مدعای خود حدیثی از کتاب «بشارة الاسلام» به نقل از امیرالمؤمنین علیه السلام می‌آورد که نمونه بارز تقطیع روایت است: «عن علی...: ألا و إنَّ اولهم من البصرة؛ امیرالمؤمنین علی علیه السلام در خطبه‌ای فرمودند: اولین یاران مهدی از بصره هستند.»

وی چنین استدلال می‌کند که در این روایت تصریح شده اولین یاران حضرت مهدی (عج) از بصره هستند و احمد بن اسماعیل نیز متولد شهر بصره است، بنابراین، این روایت به او اشاره دارد!

اما اولاً در این روایت هیچ تصریحی به نام احمد اسماعیل بصری نشده و نمی‌توان با آن ادعای وی را ثابت کرد و ثانیاً، روایت فوق توسط احمد اسماعیل تقطیع گردیده است؛ زیرا اصل روایت چنین است: «ألا و إنَّ اولهم من البصرة و آخرهم من الأبدال فأما الذین من البصرة فعلی و محارب و رجلان من قاشان، عبدالله و عبیدالله...».



بصیر فیما بعد فقال:... و من البصرة احمد؛ امام صادق علیه السلام در معرفی یاران حضرت مهدی (عج) به ابابصیر فرمود:... از بصره، احمد است.»

استدلال به این حدیث نمونه بارزی از شیادی و دروغ‌گویی احمد بصری و همراهانش می‌باشد. این فرد با تقطیع روایت سعی در اثبات ادعاهای واهی خود نموده است. این روایت در دسته روایات ضعیف و غیر قابل استناد است و تمام منابع این حدیث، آن را از کتاب «دلائل الإمامة» محمد بن جریر طبری نقل کرده‌اند که مربوط به قرن پنجم هجری می‌باشد. کتاب «بشارة الاسلام» که مربوط به سده اخیر می‌باشد نیز این حدیث را از همین کتاب گرفته است.

متن کامل روایت چنین است: «من البصرة عبدالرحمن بن الأعطف بن سعد و أحمد بن ملیح و حماد بن جابر؛ از بصره عبدالرحمن بن أعطف بن سعد و احمد بن ملیح و حماد بن جابر هستند.»

به تصریح این روایت، فردی که با نام احمد از بصره معرفی شده، فرزند ملیح است، نه فرزند اسماعیل و این روایت نه تنها تصریحی بر احمد بن اسماعیل بصری ندارد؛ بلکه دلیلی بر رد ادعای او نیز می‌باشد.

البته در کتاب **بشارة الاسلام** حدیث با عبارت «و أحمد و ملیح» آمده است که این مسئله مستمسک برخی پیروان احمد الحسن قرار می‌گیرد، غافل از آن که نویسنده بشارة الاسلام این حدیث را از کتاب «المحجة» سید هاشم بحرانی و «دلائل الامامة» طبری نقل می‌کند که در هر دو منبع، حدیث با عبارت «احمد بن ملیح» آمده است. مضافاً بر این که نویسنده «بشارة الاسلام» در همان صفحه تأکید می‌کند که متن روایت را از مکتوبی دارای اغلاط فراوان نقل کرده و نسخه‌ای مطمئن نبوده است!



۳. در نقل مورد استناد دیگر که به پیشگویی «سطیح کاهن» مشهور می‌باشد، آمده است: «فقال سطیح: ... فعندها يظهر ابن المهدي؛ سطیح کاهن می‌گوید: ... در آخر الزمان فرزند مهدی ظهور خواهد کرد.»

پیروان احمد اسماعیل با استناد به این نقل، ادعا دارند که با توجه به این که احمد، فرزند امام مهدی می‌باشد، این سخن به ظهور وی اشاره دارد و آن را روایت خوانده‌اند، در حالی که این کلام از سطیح کاهن است که اصلاً مسلمان نیست، چه رسد به این که حدیثی از امام معصوم باشد.

در ضمن این مسئله که احمد بن اسماعیل فرزند امام زمان (عج) باشد، تنها یک ادعای پوچ و واهی است که نیازمند دلیل است؛ اما فارغ از این مسئله و بر فرض که این خبر درست نقل شده باشد، باز هم بر ادعای احمد الحسن دلالت نمی‌کند؛ چرا که به نام او تصریحی نشده است. نکته مهم‌تر، تقطیع دوباره این روایت است که نشان از نیرنگ این گروه دارد.

کهن‌ترین منبعی که این خبر را نقل کرده، کتاب «مشارق انوار الیقین»<sup>۱</sup> حافظ رجب برسی است و تمام منابع متأخر همچون «بحار الأنوار»<sup>۲</sup> آن را از این کتاب نقل کرده‌اند که پس از مراجعه به کتاب مشارق انوار الیقین و همچنین مصدر کتاب بشاره الاسلام که کتاب بحار الانوار است، متوجه می‌شویم که در بشاره الاسلام اشتباه چاپی رخ داده و عبارتی از قلم افتاده است؛ زیرا متن اصلی خبر چنین است: «فعندها يظهر ابن النبی المهدي (عج)؛ در آخر الزمان فرزند رسول خدا؛ یعنی حضرت مهدی علیه السلام ظهور خواهد کرد.» و این اعتقاد تمام مسلمانان جهان است.

---

۱. بشاره الاسلام فی علامات المهدي علیه السلام، سید مصطفی حسینی حسینی، ص ۱۸۷.

۲. مشارق انوار الیقین، حافظ رجب برسی، ص ۲۰۰.

۳. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، ج ۵۱، ص ۱۶۳.

جالب است که برخی پیروان احمد الحسن، برای توجیه به مطالبی تمسک کرده‌اند که اوج بی‌سوادی ایشان را آشکار می‌کند. آن‌ها معتقدند که این اشتباهات از کتاب بشاره الاسلام می‌باشد و به احمد اسماعیل ارتباطی ندارد، در حالی که باید پرسید: این فرد چگونه امامی معصوم و دارای علم غیبی است که نمی‌تواند اصل کلام را تشخیص دهد و چرا غالباً احادیثی را می‌جوید که دارای اشتباه در بیان یا چاپ هستند؟ و چرا به سراغ کتب اصلی نرفته است؟

آیا امامی که نتواند غلط و راستاری یک نویسنده از روایات اجدادش را بفهمد، صلاحیت امامت را دارد؟ یا جعفر کذاب دیگری ظهور کرده است؟ آیا امامی که روایات اجدادش را نمی‌داند و باید آن‌ها را از کتاب‌ها بجوید و اغلاط چاپی و نوشتاری نویسندگان را نمی‌فهمد و با این همه، ادعای علم غیب و عصمت دارد، صلاحیت نام امام را دارد؟ آیا این‌ها دروغ بستن به ائمه معصومین علیهم‌السلام نیست؟ یا علی محمد شیرازی و حسینعلی نوری (پایه‌گذاران فرق ضالّه بابت و بهائیت) در لباسی دیگر ظهور کرده است؟

### استناد به استخاره

از جمله استدلال‌های این مدعی کاذب، استناد به استخاره در جهت اثبات ادعاهای خود می‌باشد.

استخاره در لغت: طلب و خواستن بهترین حالت در امری است.

و در اصطلاح دینی: واگذاردن انتخاب به خداوند در کاری است که انسان در انجام دادن آن شک دارد. استخاره کردن در امری که شرع حکم روشنی دارد، روا نیست و تنها در کارهای مباح یا در انتخاب میان دو مستحب پسندیده است. از این‌رو، در

انجام واجبات و ترک محرمات و در مواردی که عقل حکم قاطع و روشنی در مورد خیر یا شر بودن فعلی داشته باشد، جای استخاره نیست.

به تصریح علمای شیعه و اعتقاد آنان، عموماً مراد از استخاره و واژه‌های مرتبط با آن، طلب خیر از خداوند در انجام امور با خواندن نماز، دعا و اذکار وارده از اهل بیت علیهم‌السلام است و احمد بصری با سوءاستفاده از عدم آگاهی حدیثی مریدانش، تمام روایاتی را که در آن استخاره به معنای طلب خیر از خداوند است، به استخاره عرفی با استفاده از قرآن معنا کرده است.

احمد اسماعیل در احتجاج به استخاره دو دلیل برای فرضیه خود ارائه داده است: نخست، روایت امام علی و دوم، عمل «صفوان بن یحیی» است.

مطابق روایت اول، فردی به امام علی علیه‌السلام عرض کرد: ای امیرمؤمنان! ما را از مهدی خودتان آگاه کنید! آن حضرت پس از ذکر اوصاف ایشان می‌فرماید: «إِنْ خَارَ اللَّهُ لَكَ فَاعْزِمِ وَلَا تَتَّشَّنِ عَنْهُ إِنْ وُقِّتَ لَهُ وَ لَا تَجُوزَنَّ إِنْ هُدِيَ إِلَيْهِ؛ اگر خداوند برای تو خیر خواست، عزم خود را استوار گردان و اگر در راه رسیدن به خدمت او توفیق یافتی، از او به دیگری باز مگرد و هرگاه به سویش راه یافتی، از او در مگذر!»

بر خلاف ادعای احمد اسماعیل، عبارت «خار الله لك» نه تنها اشاره به استفاده از استخاره برای اثبات امامت ندارد؛ بلکه عنوانی عمومی است که به معنای «خیر و صلاح تو را خواست» می‌باشد و در این جا عنایت خداوند بر فرد و همراهی با حضرت مهدی (عج) را می‌رساند. بنابراین، مراد امام از عبارت «خار الله لك» این بوده که وقتی خداوند به تو خیر یاری حضرت مهدی (عج) را عنایت کرد، تو نیز از این عنایت استقبال کن و به حضرت پیوند.

در روایت دوم «علی بن معاذ» روایت کرده است: به صفوان بن یحیی گفتم: چگونه به امامت امام رضا علیه السلام اعتقاد پیدا کردی؟ او در پاسخ گفت: «صلیْتُ و دعوتُ الله و استخرتُ علیه و قطعْتُ علیه؛ نماز خواندم و از خداوند خواستم و بر او طلب خیر کرده و به امامت ایشان یقین پیدا کردم.»

احمد اسماعیل و پیروانش ادعا دارند که مطابق این روایت، امامت را می‌توان با استخاره ثابت کرد، در حالی که این سخن روایت از معصوم نیست و عمل صفوان بن یحیی به عنوان غیر معصوم، برای ما حجت نیست.

از سوی دیگر، مرحوم شیخ طوسی که تنها منبع نقل این روایت است، این سخن را برای تأیید ذکر نکرده؛ بلکه در بحثی مفصل در مورد واقفیه و جهت رد این عبارت، آن را نقل نموده است. شیخ طوسی بر خلاف ادعای احمد بصری، پس از نقل این خبر، آن را حيله‌ای از طرف واقفیه و علی بن احمد علوی دانسته که حقانیت امامت امام رضا علیه السلام را این‌گونه بی‌اعتبار نمایند. در واقع، این نویسنده واقفی قصد داشته تا با ذکر این مطلب [که شیعیان امامت امام خود را با استخاره ثابت می‌کنند] سستی و بی‌پایگی ادله شیعیان امام رضا علیه السلام را مطرح و به زعم خود بر حقانیت شیعیان رضوی خللی وارد کنند.

شیخ رحمه الله در پاسخ به او می‌نویسد: «این امر بدترین چیزی است که کسی در آن تقلید انجام دهد و اگر این عمل توسط صفوان انجام شده، برای ما حجت نمی‌باشد. به علاوه این که با توجه به منزلت صفوان و علم و زهدش، بعید است چنین عملی را انجام داده باشد و چگونه ممکن است در مسئله بزرگی مانند امامت، با مخالفین خود از طریق استخاره استدلال نماید. مگر این که طرف مقابل خود را فردی ابله دانسته باشد.»<sup>۲</sup>

۱. الغیبة، شیخ طوسی، ص ۶۱.

۲. از نویسندگان واقفیه (کسانی که در امامت امام کاظم علیه السلام توقف نموده و ایشان را مهدی موعود نامیدند و امامت امام رضا علیه السلام را قبول نکردند).

علاوه بر این، ممکن است مراد از استخاره در این جملات، معنای عام و غالبی آن؛ یعنی طلب خیر از خداوند باشد.<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام می فرماید: «هرگاه اراده استخاره در کار بزرگی را داشتم، صد بار از خداوند در سجده گاهم طلب خیر می کردم و استخاره من چنین بود که می گفتم: خدایا! از تو که عالم به غیب هستی، درخواست می کنم که اگر این کاری که می خواهم انجام دهم برای من خیر دارد، یاری ام کن و اگر علم داری که شر من در انجام آن است، مرا از انجامش منصرف فرما!»<sup>۲</sup>

در این روایت کاملاً مشخص است که امام باقر آن استخاره نکردند و با توجه به دعای مذکور در روایت، مرادشان از استخاره، یاری گرفتن از خدای متعال در به سرانجام رسیدن کار و انتخاب صحیح است و این دسته از روایات با احمد بصری هیچ ارتباطی ندارد.

در نتیجه یقیناً استخاره به معنای خاص آن نمی تواند به عنوان دلیل برای اثبات امر مهم و اعتقادی امامت به کار رود تا امثال احمد اسماعیل و پیروانش بخواهند با استخاره، حقانیت این فرد کذاب را ثابت کنند.

### حجیت خواب در اثبات احمد اسماعیل بصری

احمد بصری، یکی از ادله حقانیت خود را دیدن خواب و رؤیا دانسته و برای آن دستورالعمل هایی مانند سه روز روزه گرفتن و یا خواندن یک دعا به مدت چهل شب ارائه داده است.

نوع تبلیغات احمد بصری، با روش کار مدعیانی همچون «فضل الله حروفی» رئیس

۱. ر.ک: ره افسانه، محمد شهبازیان، صص ۷۹ - ۹۲.

۲. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، ج ۸۸، ص ۲۶۳.

فرقه حروفیه و مدعی مهدویت، سید محمد نوربخش، مؤسس صوفیه نوربخشیه و مدعی مهدویت، بایزید انصاری، معروف به پیر روشن و مدعی مکاشفات متعدد، مهدی سودانی مدعی مهدویت و همچنین جهیمان عتبی، از شیوخ سلفی و وهابی مقیم عربستان و محمد بن عبدالله قحطانی مدعی مهدی موعود بسیار نزدیک می باشد.<sup>۱</sup>

شیعه امامیه اصل خواب و رؤیا و امکان ارتباط روحی میان انسان خاکی و مبادی عالی و کشف بخشی از حقایق از طریق خواب را می پذیرد و به استناد آیات و روایات آن را نوعی الهام درونی می داند.

در روایات شیعه، رؤیا به چند گونه تقسیم شده است: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «الرؤیا ثلاثة: بشری من الله و تحزین من الشیطان و الذی يحدث به الانسان نفسه فیراه فی منامه؛ خواب سه گونه است: گاهی بشارتی از ناحیه خداوند است، گاه وسیله غم و اندوه از سوی شیطان، و گاه مسائلی است که انسان در فکر خود می پروراند و آن را در خواب می بیند.»

در برخی روایات نیز آمده است: «خواب یا بشارتی است که خداوند به مؤمن می دهد، یا آن چیزی است که شیطان القا می کند و یا چیزی جز خواب های آشفته نیست.»<sup>۳</sup>

بر مبنای روایات باب خواب، رؤیای صادق و خواب رحمانی قابل اعتناست؛ ولی القائنات شیطان در خواب برای گمراهی افراد بوده، اعتباری ندارد. با توجه به انحرافات ثابت شده در ادعاهای احمد بصری، آنچه را که طرفداران او دیده اند، به یقین القائنات شیطانی است. به عبارت دیگر، وقتی به یقین برای ما اثبات شده است که این فرد از جمله

۱. مهدیان دروغین، رسول جعفریان، ص ۲۶۰.

۲. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، ج ۵۸، ص ۱۸۱.

۳. دائرة المعارف تشیع، نویسندگان، ج ۸، ص ۳۹۸، مدخل رؤیا.

مدعیان دروغین است، مگر می‌توان عقل و روایات اهل بیت علیهم‌السلام را تعطیل کرد و به خواب روی آورد؟

مرحوم کراچکی، از شاگردان شیخ مفید در کتاب خود، بحث مفصلی را از شیخ نقل کرده و این گونه رؤیاها را باطل می‌داند.<sup>۱</sup>

تعدد خواب‌هایی که در آن رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تخیل شده است و ایشان به عقیده‌ای دستور داده که در باطل بودن آن تردیدی نیست، نشان می‌دهد که شیاطین می‌توانند چهره‌سازی کرده، بیننده رؤیا را دچار توهم کنند. به ویژه این که هیچ یک از افراد بشر در این دوران چهره حقیقی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را ندیده‌اند و نمی‌دانند ایشان به چه صورتی بوده تا بخواهند درستی یا نادرستی رؤیای خود را تشخیص دهند؛ یعنی از کجا معلوم آن کسی که در خواب به عنوان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دیده‌اند، واقعاً خود حضرت باشد.<sup>۲</sup>

خدای تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَيْكَ وَإِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيَجَادُوا لَكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ﴾<sup>۳</sup> «شیاطین به دوستان خود مطالبی را القا می‌کنند تا با شما به مجادله برخیزند. اگر از آنها اطاعت کنید، شما نیز مشرک هستید.»

همچنین، افراد بی‌شماری را می‌توان نام برد که دروغگو بودن احمد و یارانش را در رؤیا دیده‌اند. به عنوان مثال، در کتاب «الجواب المنیر» سؤال ۲۲۳ که سؤالات افراد از طریق اینترنت به احمد اسماعیل و جواب‌های وی به آنهاست، فردی به نام «السلمانی الذری» که از معتقدین به احمد اسماعیل می‌باشد، از او می‌پرسد: «همسر نمازی که شما منت گذاشته و بر ما تعلیم دادید را خواند و خوابید؛ ولی خواب وحشتناکی دید و دیگر

۱. کنز الفوائد، کراچکی، ج ۲، ص ۶۵.

۲. افسانه، محمد شهبازیان، ص ۱۲۲.

۳. انعام / ۱۲۱.

دعوت شما را قبول نکرد و من تلاش کردم وی را متقاعد کنم؛ ولی فایده نداشت. از شما تقاضای دعا دارم و این که راهکاری برای حل مشکل ارائه دهید.»

احمد اسماعیل در جواب این مرید خود می‌نویسد: «فاصبر صبراً جميلاً خالٍ من الشكوى لغير الله؛ صبری زیبا و خالی از شکایت برای غیر خدا داشته باش.» در این پاسخ اولاً کلمه خالی در حالت نصبی است و باید «خالياً» نوشته شود، نه «خال» و ثانیاً، فارغ از این اشتباه ادبی، احمد اسماعیل با این جواب اعتراف کرده است خواب‌هایی که با دستور او صورت گرفته، باطل بودن وی را بر بیننده مکشوف کرده است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «فإنَّ دینَ الله تبارک و تعالی أعزُّ من أن یری فی النُّوم؛ ادین خدا عزیزتر از آن است که بخوابد با خواب فهمیده شود.»

تردید نیست که طبق روایات، جنیان و شیاطین نمی‌توانند در قالب حقیقی معصومین علیهم السلام درآمده، سخن گرافه‌ای بگویند؛ اما می‌توانند ایجاد تخیل نمایند تا بیننده رؤیا گمان کند که یکی از حضرات معصومین علیهم السلام را در خواب دیده است، پس باید توجه کرد که اگر مطلبی در رؤیا، مخالف با روایات و عقل سلیم باشد؛ گرچه از جانب یکی از معصومین علیهم السلام بیان شود، به یقین رؤیای کاذبی بیش نیست.

و البته در مورد احمد اسماعیل و امثال وی، با توجه به ادله متقن، تردیدی در کذب بودن ادعای آن‌ها وجود ندارد. بنابراین، اگر خوابی دیده شود، به یقین حمل بر تصرف شیاطین در آن می‌شود و در بهترین حالت می‌توان گفت که آن خواب زاییده افکار و تمرکز وی بر موضوع احمد اسماعیل بوده که در زمره خواب‌های پریشان قرار می‌گیرد.

۱. کافی، کلینی، ج ۳، ص ۴۸۲.

۲. ره‌افسانه، محمد شهبازیان، ص ۱۲۵.